

بررسی اخلاق طبابت در برخی از متون کهن ایران و اسلام

مریم زراعتکار
فرزاد محمودیان

چکیده

دانش و حرفه پزشکی در متون کهن ایران و اسلام، همواره به عنوان علم و شغلی مقدس بشمار آمده و بخصوص در تعالیم دینی و اسلامی از قدیم الایام بعنوان یک عبادت تلقی شده است. رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در امر طبابت به عنوان مهمترین خصیصه برای طبیبان و پزشکان ایرانی و اسلامی مورد توصیه و توجه جدی قرار گرفته و بر این اساس در منابع و متون ادبیات اسلامی و ایرانی ویژگی‌هایی همچون ارتباط و یاد خدا، توکل، راز داری، خوش خلقی، امید بخشی، ارتباط و رفتار مناسب با بیمار و اعتقادات نیکو بعنوان فرهنگ اخلاق طبابت و پزشکی مطرح بوده است. بنابراین می‌توان با حفظ و تکریم ارزش‌ها و فرهنگ کهن ایرانی و اسلامی و توسعه و ترویج آن گامی مثبت در جهت تقویت و ساماندهی اخلاق پزشکی در حوزه‌ی سلامت و بهداشت جامعه اسلامی کشورمان برداریم.

واژگان کلیدی: اخلاق؛ پزشکی؛ طبابت؛ متون کهن.

مقدمه

آنچه انسان را مسجود ملائکه کرد، وجود خاکی او نبود، بلکه شرافتی بود که به واسطه دمیده شدن روح از جانب خدا به او اعطا شده بود. حفظ این شرافت و ارتقاء آن اصلی ترین وظیفه هر انسانی است و اصلی ترین عامل موفقیت در انجام آن وظیفه الهی آراسته شدن به زینتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علت بعثت خود را اتمام و اکمال آن اعلام فرمود و آن زینت، همانا مکارم اخلاق است. شناسنامه حقیقی انسان شناسنامه درونی اوست که فضایل اخلاقی هم که برای تذهیب این روح لازم است باید اصولی ثابت و پایدار داشته باشد؛ لذا اخلاق امری نسبی نیست که دستخوش دگرگونی شود، بلکه امری ثابت و جاودانه می باشد. معرفت هم در تحصیل اخلاق و هم در تکامل آن مهمترین نقش را دارد. تعلیم و تعلم می تواند در کسب معرفت نقش تعیین کننده و موثر داشته باشد؛ به همین جهت اخلاق به عنوان یک علم مطرح شده است؛ علم شریفی که فراگیری آن می تواند از لوازم تهذیب روح باشد. اخلاق حرفه ای شاخه مهمی از اخلاق است که برای درک کامل آن شناخت ریشه های اخلاق ضروری است. در میان شعب مختلف اخلاق حرفه ای اخلاق پزشکی از اهمیت منحصر به فردی برخوردار است؛ زیرا موضوع مورد مطالعه آن شریفترین موجود هستی یعنی انسان می باشد. اخلاق پزشکی همواره با طب همراه بوده و در دوره های مختلف مورد تاکید و توجه اطباء بزرگ قرار داشته است. در آثار مکتوب کهن ایران و در دوره پس از اسلام نیز می توان در زمینه اخلاق پزشکی و وظایف و مسئولیت اخلاقی پزشکان مطالب گوناگونی یافت. مضامین متون ادب فارسی که برگرفته از آیات الهی و روایات معصومین (ع) می باشد، در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسانها تاثیر بسزایی دارد. از گفتار دانشمندان در این حوزه ی دانش بشری می توان به ارزش

بزرگوار
است
که
در
این
صورت
مکتوب
کهن
ایران
و در
دوره
پس از
اسلام
نیز
می
توان
در
زمینه
اخلاق
پزشکی
و وظایف
و مسئولیت
اخلاقی
پزشکان
مطالب
گوناگونی
یافت.

والای دانش پزشکی، حسن ارتباط پزشکان و بیماران و تاثیر اعتقادات دینی در علاج بیماران اشاره نمود.

صفحات زرین ادب فارسی حاوی توصیه هایی است که می تواند اعتقاد - توکل - رازداری را در جامعه پزشکان تقویت نماید و راهگشای آنها در ارتباط با بیماران و اطرافیان باشد. برای نمونه در کتاب مشهور (چهار مقاله) اثر (نظامی عروضی سمرقندی) از نویسندگان نامدار ایرانی، ویژگی های پزشک شایسته بدین شرح بیان شده است: «...اما طبیب باید که رقیق الخلق، حکیم النفس و جید الحدس باشد... و هر طبیب که شرف انسان شناسد رقیق الخلق نبود و تا منطق نداند، حکیم النفس نبود و تا مؤید به تأیید الهی نبود، جید الحدس نبود و هر که جید الحدس نبود، به معرفت علت نرسد^۱» در سوگند نامه ی بقراط آمده است: «برنامه ی کار من در جهت بهبود بیماران بر حسب توانایی و درایت من خواهد بود، نه در جهت آزار آنان یا از راه بدخواهی.» در پند نامه اهوای چنین گفته شده است: «پزشک باید در درمان بیماران حسن تدبیر و معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد و منظورش در درمان استفاده و پول پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب را در نظر دارد.»

اهوای گفته است: «از مردمان پست و سفله مانع شوید که این علم شریف را فرا گیرند». همچنین افزوده است: «و حلیم و پاک چشم و مهربان و خیر رسان و خوش زبان باشد و در درمان بیماران به خصوص مسکینان و فقرا به جد بکوشد و در فکر سود و اجر از این دسته نبوده، بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه ی خود به آنها دهد و اگر این کار ممکن نگردد، به درمان آنها پرداخته، شب و روز به بالینشان حاضر شود؛ خصوصا اگر بیماری آنها حاد و تند باشد، چرا که بیماری های حاد زود دگرگونی و تغییر پیدا کنند.^۲»

۱- اهمیت دانش پزشکی

درباره‌ی جایگاه ارزشمند دانش پزشکی همین بس که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «العلم علما، علم الادیان و علم الا بدن»^۳. یعنی دانش بر دو قسم است: علم دین شناسی و علم طب. این تقسیم در این حدیث ناظر به هدف علم است که یا به منظور تغذیه روح و معنویت انسان است که خداوند پیامبران را بدان جهت فرستاده است و آن شناخت دین الهی است و یا به منظور سلامت جسمی و تقویت بنیه و توان کاری انسان است که علم پزشکی متکفل آن است. بنابراین در کنار هم قرار گرفتن علم الادیان و علم الابدان بیانگر ارزش علم پزشکی است که بر سایر علوم مقدم است. لذا شایسته است، قداست این حرفه ی مقدس را همراه با معرفت دینی تقدیس کرده تا طبابت و عبادت توأمان گردد. نیز امیر المومنین (ع) در مورد پیامبر (ص) می‌فرمایند: «... طیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه^۴...» یعنی او (پیامبر) طیبی است که بر سر بیماران گردان است، مرهم های او سمومند و داغ نهادن (جراحی) او کار ساز است.^۵

استفاده از تعابیر رایج در پزشکی در مورد پیامبر نشان دهنده ارزش و اهمیت این حرفه از نظر هدف با پیامبران است. لذا شایسته است قداست این حرفه ی مقدس را همراه با معرفت دینی تقدیس کرده تا طبابت و عبادت توأمان گردد.

۲- ارزش اخروی دانش پزشکی

- در کتاب کلیله و دمنه در باب برزویه طیب در این زمینه چنین آمده است:

«پوشیده نماند که علم طب نزد همه خردمندان در تمامی دینها ستوده است و بهترین پزشکان آن است که معالجه بیماران را به جهت توشه آخرت انجام دهد.

که بملازمت این سیرت نصیب دنیا هر چه کامل تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد...»

به صواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و به آن التفات نکنی که مردمان قدر طیب ندانند؛ لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید، آمرزش بر اطلاق مستحکم شود.^۷

۳- اهمیت نقش پزشک و جایگاه طبابت در دین مبین اسلام

هر اندازه موضوع علمی پراهمیت و هدف آن مقدس تر باشد، آن علم هم از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. موضوع دانش پزشکی بدن انسان، و هدف آن تأمین سلامت و تندرستی آدمی است، و اهمیت این موضوع و هدف از دیدگاه اسلام بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا اسلام تا آنجا به سلامت انسان اهمیت می‌دهد که اگر تکلیف واجبی به تندرستی آدمی لطمه بزند، نه تنها انجام آن از نظر شرع لازم نیست، که در چنین شرایطی انجام آن حرام خواهد بود.

در اسلام، علم پزشکی همتای علم دین، ارزشمند به شمار آمده است؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «دانش بر دو نوع است: دانش دینی و دانش بدن و سلامت آن.» که اولی در تعدیل و سلامت روح آدمی می‌کوشد و دومی برای تندرستی و صحت جسمی انسان تلاش می‌کند. پزشکی حرفه‌ای است که در هیچ دوره‌ای، مردمان از آن بی‌نیاز نبوده و نیستند. تا دنیا، دنیاست، بیماری در آن فراوان یافت می‌شود و بیماران هم چاره‌ای جز مراجعه به پزشک و درمان ندارند. حضرت امام صادق علیه السلام در حدیثی گهربار، مردمان را از سه گروه بی‌نیاز نمی‌داند، ایشان می‌فرماید: «اهل هیچ سرزمینی از وجود سه طایفه و گروه که در کار دنیا و آخرتشان به آنان پناه برده می‌شود، بی‌نیاز نیستند و اگر آن‌ها را نداشته

باشند، بی بهره و سرگردان می شوند: فقیه دانشمند پرهیزکار، زمامدار نیکوکار و مورد اطاعت، و پزشک ماهر و مورد اعتماد^۸».

نکته جالب در این فرمایش گرانقدر، این است که فقیه امور آخرتی مردمان را عهده دار است، زمامدار هم امور دنیایی آنها را سر و سامان می بخشد و پزشک با تامین سلامت جسمی مردمان، آنها را برای امور دنیوی و اخروی آماده و سرحال نگه می دارد.

با توجه به اینکه، علم پزشکی به درمان بیماری و حفظ سلامت انسان می پردازد، پزشک باید خصوصیات و ریزه کاری های نظام خلقت را در بدن مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین در طول دوران آموزش و حتی در هنگام درمان به طور مداوم با پیچیدگی های نظام هستی سرو کار دارد و این مسأله باعث می شود که پزشک بیش از سایر افراد توجه به عظمت الهی داشته باشد. زمینه سیر و سلوک و کسب معنویت برای او فراهم تر است؛ لذا حرفه پزشکی بیشتر از سایر حرفه ها انسان را با خدا مرتبط می کند. خداوند در قرآن می فرماید: «... و من احیایا فکانما احیا الناس جمیعاً^۹...» یعنی هرکس انسانی را زنده نماید گویا به همه انسانها حیات بخشیده است. اطلاق آیه شریفه که شامل حیات جسمانی و مادی هم می شود، جنبه الهی و ماوراء طبیعی کار پزشک را بیان می کند. خصوصاً با توجه به اینکه بسیاری از اسرار خلقت بر انسان پوشیده است و علیرغم پیش بینی های پزشکی مسیر درمان و معالجه بیمار مسایلی اتفاق می افتد که باعث می شود انسان به عظمت خداوند پی ببرد. در روایات اسلامی این نکته نیز آمده است که کار طبابت را خود خداوند انجام می دهد و طبیب واقعی خود اوست. پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب به فرد پزشکی فرمودند: «الله الطیب بل انت رجل رفیق^{۱۰}...» یعنی خداوند طیب است و تو رفیق مهربان هستی. این حدیث و احادیث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين
المرسلين
...

مشابه آن به این حقیقت اشاره می کند که معالجه کننده واقعی ذات اقدس الهی است. بنابراین پزشک باید توجه کند که کار و حرفه او ابزار دست خداوند است و در واقع دست خدا به او نیرو و توان معالجه می دهد و اگر طبیب به این مسئله توجه کند در تمام مراحل معالجه خدا را می بیند. در قرآن کریم از قول حضرت ابراهیم آمده است که: «و اذا مرضت فهو یشفین»^{۱۱} یعنی و هنگامی که بیمار می شوم او مرا درمان می کند. می توان گفت طبیب تجلی اسم شافی خداوند است که در عالم ملک ظهور کرده است. از این نظر حرفه پزشکی در اسلام حرفه ای مقدس است.

۴- اخلاق در پزشکی

پیشرفتهای علمی بشری زمانی برای نوع بشر مفید و ثمربخش است که از پشتوانه اخلاقی برخوردار باشد. علم و تخصص بدون بهره‌مندی از اخلاقیات پاسخگوی نیازهای فطری بشر نبوده و گاهی نقض غرض است، زیرا هر نوع پیشرفت باید دارای جهت و هدف باشد و اخلاق به پیشرفت علمی جهت و هدف می‌بخشد. پیشرفت علمی عاری از مکارم و سجایای اخلاقی حرکت در تاریکی است. اخلاق چراغ هدایت هر حرکت محسوب می‌شود.

در عرصه پزشکی نیز این حکم صادق است و اساسا حرکت طب بر محور اخلاق بوده و پایه‌های آن بر مبانی اخلاقی استوار است. کوشش برای نجات جان انسانها و اعاده حیات و سلامت به آنان و درمان بیماریها و تشفی و تسکین آلام دردمندان و تلاش در بقای نسل و سالم سازی محیط انسانی خود از ارزشهای اخلاقی است.

۵- ارتباط پزشکان با خداوند و تاثیر آن در تشخیص و علاج بیماران

سرور ساجدان، امام زین العابدین علیه السلام در مناجات با حضرت حق می‌فرماید: «شادمانی و راحتی من در راز و نیاز با توست، و شفا و بهبودی دردها و رنج‌های من نزد تو می‌باشد.»

یاد خدا در پزشکی نقش برجسته‌ای برعهده دارد. آنگاه که بیمار در مراحل شدید و بحرانی قرار گرفته و پزشک مضطرب و نگران است، تنها امید بخش دل او، اطمینان به قدرتی بی‌پایان و هستی بخش می‌باشد که بر سراسر وجود بیمار حکومت می‌کند و درمان واقعی به دست توانای اوست؛ چنان که حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «در هنگام بیماری، او شفابخش من است». پزشک با ایمان هیچ گاه به بن بست ناامیدی نمی‌رسد و همواره به خدای توانا متکی است و اگر خود را برای درمان ناتوان ببیند، بیمار را به طیب واقعی همگان، خدای متعال راهنمایی می‌کند.^{۱۲}

۶- داستان بیماری کنیزک و پادشاه

اصل داستان حکایتی است که به علی بن ربن، طبیب ایرانی - که در نیمه ی قرن سوم مشهور بوده است - نسبت داده اند. برخی منابع این داستان را به ابوعبد اله بن مسلم بن قتیبه ی دینوری معاصر علی بن ربن نسبت داده اند، اما نظامی عروضی در کتاب چهارمقاله این داستان را مربوط به ابن سینا دانسته است. در این کتاب بیان شده است ابوعلی سینا اینگونه طبابت را برای یکی از خویشان شمس المعالی قابوس بن وشمگیر انجام داده است. سید اسماعیل جرجانی از اطبای قرن ششم نیز در کتاب ذخیره ی خوارزمشاهی این شیوه ی درمان را به ابن سینا نسبت داده است. آغاز داستان از اینجا شروع می شود.

در این کتاب، نظامی عروضی، داستان بیماری کنیزک و پادشاه را به ابوعبد اله بن مسلم بن قتیبه ی دینوری معاصر علی بن ربن نسبت داده است.

پادشاهی به قصد شکار به بیرون شهر رفت در بین راه کنیزکی زیبا چهره دید و عاشق او شد. وی را خریداری کرد ولی به محض اینکه شاه از دیدار او بهره گرفت، کنیزک بیمار می شود. پادشاه طبیبان را خبر می کند و برای معالجه کنیزک به آنان و عده ی زر و سیم می دهد. پزشکان نیز به خاطر خودنمایی و غلبه ی حب جاه از علاج بیمار سخن به میان می آورند واز عجز بشر و قدرت خداوند غافل ماندند. در اینجا مولانا اشاره ای دقیق دارد. این طبیبان از یاد خداوند غافل بودند؛ البته نه به خاطر آنکه الفاظی از قبیل ان شاءالله و یا لاحول و لا قوه الا بالله را بر زبان نیاوردند بلکه به خاطر عدم ادراک این حقیقت که مؤثر اصلی وجود ذی جود باری تعالی می باشد.

ترک استثنا^{۱۳} مرادم قسوتیست^{۱۴} نی همین گفتن که عارض حالتیست
ای بسا ناآورده استثنا بگفت جان او با جان استثناست جفت^{۱۵}
در این دو بیت شیوه ی توکل به ذات احدیت بسیار خوب بیان شده است .
مولانا بر این نکته اصرار دارد که منظور از گفتن ان شاءالله با زبان و بدون اعتقاد قلبی کافی نیست و باید اعتقاد به قدرت حق برای طبیب اعتقاد قلبی و با تمام وجود باشد. لذا هر کدام از پزشکان به پادشاه گفتند برای درمان کنیز بسیار تلاش می کنیم و با یکدیگر همفکری می کنیم و به تلاش خودشان بیشتر از عنایت حضرت حق، اعتماد داشتند.

جمله گفتندش که جان بازی کنیم فهم گرد آریم و انبازی کنیم
هر یکی از ما مسیح عالمی است هر الم را در کف ما مرهمی است^{۱۶}
به هر حال چون طبیبان مغرور و خودبین بودند و مشیت خداوند را نادیده گرفتند خداوند عجز و درماندگی آنان را به خودشان نشان داد.^{۱۷}

«گر خدا خواهد»^{۱۸} نگفتند از بطر^{۱۹} پس خدا بنمودشان عجز بشر

هرچند کردند از علاج و از دوا گشت رنج افزون و حاجت ناروا
از قضا سرکنگبین صفرا نمود^{۲۰} روغن بادام، خشکی می فزود
از هلیله قبض شد اطلاق رفت آب آتش را مدد شد همچو نفت^{۲۱}

۷- مداوای نزدیکان مامون توسط بختیشوع

بختیشوع یکی از نصارای بغداد بود. طبیبی حاذق بود و مرتب به خدمت مامون می رسید. یکی از نزدیکان مامون را اسهال افتاد، بختیشوع را بفرستاد تا معالجت او بکند. او انواع معالجت کرد اما فایده‌ای نداشت سرانجام از کار دست برداشت و نزد مامون خجل گشت. مامون به او گفت ما به قضای خداوند رضا داده ایم. بختیشوع چون مامون را مأیوس دید، گفت یک معالجت دیگر باقی ماند. اگر خدای باری تعالی راست آرد، انجام می دهم. آن معالجت انجام داد و بیمار بهبود یافت. اطباء از او پرسیدند: این چه مخاطره بود که تو کردی؟ گفت: «آخردر مسهل امید است و در نادادن هیچ امید نه، بدادم و توکل بر خدا کردم که او تواناست و باری تعالی توفیق دادو نیکو شد.»

و طبیب اگر در شناختن علت درماند به‌خدای عزوجل باز گردد و از او استعانت خواهد و اگر در علاج فروماند هم به خدای بازگردد و از او مدد خواهد که بازگشت هم بدوست.

پزشک باید دوستدار حق باشد تا خداوند او را در معالجه‌ی انواع امراض صعب‌العلاج راهنمایی کند. پزشک باید اعتقاد داشته باشد که خداوند قادر است او را در تشخیص بیماری بسیار کمک کند. در چهار مقاله‌ی نظامی عروضی در این خصوص چنین آمده است.^{۲۲}

«طبيب، تا مويد نبود بتاييد الهی جیدالحدس (تشخیص نیکو) نبود و هر که جیدالحدس نبود به معرفت علت (بیماری) نرسد...^{۲۳} ا تایید الهی باستصواب او همراه نبود فکرت (مصیب) درست نتواند بود.^{۲۴}»

۸- معالجه‌ی بیماری مالیخولیای یکی اعزهی آل بویه

یکی را از اعزهی آل بویه مالیخولیا پدید آمد، و او را در این علت چنان صورت بست که او گاوی شده است. همه روز بانگ همی کرد و این و آن را همی گفت که «مرا بکشید که از گوشت من هریسه نیکو آید» تا کار بدرجه ای بکشید که نیز هیچ نخورد و روزها بر آمد و نهار کرد و اطبا در معالجت او عاجز آمدند. پس چون اطبا از معالجت آن جوان عاجز آمدند، پیش شاهنشاه ملک معظم علاءالدوله آن حال بگفتند، و او را شفیع برانگیختند که خواجه را بگوید تا آن جوان را علاج کند. علاءالدوله اشارت کرد، و خواجه قبول کرد. پس گفت: «آن جوان را بشارت دهید که قصاب همی آید تا ترا بکشد» و با آن جوان گفتند، او شادی همی کرد. پس خواجه برنشست همچنان با کوبه بر در سرای بیمار آمد، و با تنی دو در رفت، و کاردی بدست گرفته گفت: «این گاو کجاست تا او را بکشم؟» آن جوان همچو گاو با نگی کرد، یعنی اینجاست. خواجه گفت: «به میان سرای آریدش و دست و پای او ببندید و فرو افکنید.» بیمار چون آن شنید بدوید. و به میان سرای آمد، و بر پهلوی راست خفت، و پای او سخت بیستند. پس خواجه ابوعلی بیامد و کارد بر کارد مالید و فرو نشست، و دست بر پهلوی او نهاد، چنانکه عادت قصابان بود. پس گفت: «وه! این چه گاو لاغری است! این را شاید کشتن، علت دهدش تا فربه شود.» و برخاست و بیرون آمد، و مردم را گفت که «دست و پای او بگشایید و خوردنی آنچه فرمایم

پیش او برید و او را گویید: بخور تا زود فربه شوی.» چنان کردند که خواجه گفت. خوردنی پیش او بردند و او همی خورد، و بعد از آن هر چه از اشربه و ادویه خواجه فرمودی بدو دادندی و گفتند که «نیک بخور! که این گاو را نیک فربه کند.» او بشنو دی و بخوردی بر آن امید که فربه شود تا او را بکشند. پس اطبا دست بمعالجت او برگشادند چنانکه خواجه ابوعلی میفرمود یک ماه را بصلاح آمد و صحت یافت و همه اهل خرد دانند که این چنین معالجت نتوان کرد الا بفضلی کامل و علمی تمام و حدسی راست.^{۲۵}

۹- داشتن اعتقاد نیکو

طیبیان باید دارای اعتقادی راسخ به دستورات الهی باشند. برای روشن شدن مطلب نمونه ای در زیر آورده می شود.

-از خواجه امام ابوبکر دقاق شنیدم که او گفت: در سال ۵۰۲ یکی از مشاهیر نیشابور را درد قولنج بگرفت و مرا بخواند . به معالجت او مشغول شدم و آنچه در این باب فراز آمد به جای آوردم . البته شفا روی ننمود و سه روز گذشت. نماز شام به صورت ناامید بازگشتم بر آنکه نیمه شب بیمار در گذرد. درین رنج بخیتم. صبحدم بیدار گشتم و شک نکردم که در گذشته بود. به بام بر شدم و روی به آن جانب آوردم و گوش فرا دادم هیچ آوازی نشنیدم. سوره فاتحه بخواندم و از آن جانب بدمیدم و گفتم: «الهی و سیدی و مولای تو گفته ای در کلام مبرم و کتاب محکم: «نزل من القران ما هو شفا و رحمه للمومنین»^{۲۶} و تحسر همی خوردم که جوان بود و منعم و متنعم و کام انجामी تمام داشت . پس وضو ساختم و به مصلی شدم و سنت گذاردم . یکی در سرای زد. نگاه کردم همراه آن بیمار بود. بشارت داد که «بگشای» گفتم چه شد؟ گفت: «این ساعت

راحت یافت». دانستم که از برکات فاتحه الکتاب بوده است و این شربت از داروخانه ربانی رفته است و این مرا تجربه شد. و بسیار جایها این شربت در دادم همه موافق افتاد و شفا به حاصل آمد.

پس طبیب باید که نیکو اعتقاد بود و امر و نهی شرع را معظّم دارد.^{۲۷}

از اینجا مشخص می شود چقدر داشتن اعتقاد برای پزشکان می تواند در بهبودی بیماری مؤثر باشد. اگر تخصص پزشکان توأم با تعهد ایشان باشد، خداوند نیز آنها را در تشخیص صحیح علاج بیماری کمک می کند. گاهی اوقات، داشتن اعتقاد نیکو باعث می شود، پزشکان برخورد مناسبی همراه با اخلاق نیکو با بیماران داشته باشند و همین امر باعث بهبودی بیماری شود. چه زیباست پزشکی معلم اخلاق برای بیمار خویش باشد؛ آن موقع دستورات پزشک در اعماق جان بیمار نفوذ کرده، باعث می شود، بیمار آن دستورات را بطور منظم و دقیق اجرا نماید.

جلوه گاه کرامت اخلاقی در دنیای پزشکی در مرحله حساس و سرنوشت ساز برخورد پزشک با بیمار است. هر قدر این برخورد انسانی، اخلاقی، عاطفی و صمیمانه، شکوهمند و شرافتمندانه و احترام آمیز باشد، حصول آرمانهای مقدس پزشکی و امنیت روانی و جسمی بیمار و رضایت خاطر او و اطرافیانش قطعی تر خواهد بود.

۱۰- عواقب عدم مراعات جنبه های اخلاقی

ممکن است پزشک از دیدگاه علمی و فنی به وظیفه خود عمل و حتی بیمار را معالجه نماید. لیکن عدم مراعات جنبه های اخلاقی و انسانی در برخورد با بیمار او را از هدف عالی پزشکی دور کند و کوچکترین غفلت، مسامحه و لغزش از

موازن اخلاقی و وجدانی و بی‌حرمتی نسبت به شخصیت بیمار و اطرافیان او سبب عدم امنیت خاطر، دل‌شکستگی، آشفتگی و تکدر روحی بیمار و سلب اعتماد او از پزشک معالج گردد. در فصل موسوم به (برزویه طبیب) در ترجمه‌ی فارسی کلیله و دمنه می‌خوانیم «...و پوشیده نماند که علم نزدیک همه‌ی خردمندان و در تمامی دین‌ها ستوده است و در کتب طب آورده اند که فاضل‌تر اطبا آن است که بر معالجت از جهت ذخیرت آخرت مواظبت نماید که به ملازمت این سیرت نصیب دنیا هر چه کامل‌تر ییابد.»^{۲۸} بر اساس این باور نزد زرتشتیان قدیم، بهترین پزشکان آنهایی بودند که پزشکی را فقط برای عمل شفابخشی آن انتخاب می‌کردند و بدترین گروه کسانی بودند که سبب بدنامی این حرفه می‌شدند.^{۲۹} به نظر می‌رسد این مهم، یعنی نحوه برخورد پزشکان با بیماران، می‌بایست سرلوحه خدمات پزشکی قرار گیرد تا از رهگذر این اصول به اهداف متعالی پزشکی که نجات جان و مداوا و حفظ حیات و سلامت آنان و ایجاد امنیت جسمی و روانی افراد جامعه و جلب رضایت مردم و لازمه رضایت خالق است، محقق گردد.

۱۱- حسن برخورد پزشکان و تأثیر آن در معالجه‌ی بیماران

جلوه‌گاه کرامت اخلاقی در دنیای پزشکی در مرحله حساس و سرنوشت‌ساز برخورد پزشک با بیمار است. هر قدر این برخورد انسانی، اخلاقی، عاطفی و صمیمانه، شکوهمند و شرافتمندانه و احترام‌آمیز باشد، حصول آرمانهای مقدس پزشکی و امنیت روانی و جسمی بیمار و رضایت خاطر او و اطرافیانش قطعی‌تر خواهد بود.

اولین برخورد پزشک و بیمار یکی از حساس‌ترین مراحل معالجه است و پایه صحیح موفقیت در امر درمان همان برخورد ابتدایی می‌باشد، اغلب بیماران

به دلیل شناخت از مراتب علمی پزشک به وی مراجعه نمی کنند، بلکه بیشتر به سبب علاقه و کشش عاطفی به فلان طبیب مراجعه می نمایند. در بیشتر موارد وقتی درباره پزشکی، از بیمار سوال می شود بیمار به خصوصیات اخلاقی پزشک بیشتر از موارد تخصصی علمی او می پردازد. و صفاتی از قبیل داشتن تواضع، احترام به بیمار، در نظر گرفتن ارزشهای اخلاقی را در خصوص پزشک معالج خود یادآور می شود. این اظهار صمیمیت بین بیمار و پزشک باعث می شود بیمار اطلاعات کافی در اختیار پزشک قرار دهد و موجب تشخیص صحیح بیماری از سوی پزشک گردد؛ همچنین باعث افزایش اعتماد بیمار به پزشک معالج خواهد بود.^{۳۰}

لذا در کتاب چهارمقاله نظامی عروضی در این خصوص چنین آمده است. «اما طبیب باید که رقیق الخلق، حکیم النفس و جید الحدس باشد... هر طبیب که شرف نفس انسانی نشناسد رقیق الخلق نبود.» منظور از رقیق الخلق نرمی خوبی و مهربانی پزشک در برخورد و ملاقات با بیمار می باشد.^{۳۱} همچنین در کتاب قابوسنامه در باب «اندر ترتیب علم طب» چنین آمده است. «(معالج) باید که وصایای بقراط خوانده باشد تا اندر معالجت شرط امانت و راستی بجای تواند آورد و پیوسته خویشتن پاک و جامه پاک و مطیب دارد و چون بر سر بیمار شود با بیمار تازه روی و خوش سخن باشد و بیمار را دلگرمی دهد که تقویت طبیب بیمار را قوت حرارت غریزی بیفزاید.»^{۳۲}

۱۲- راز داری پزشکان

راز داری، از وظایف اخلاقی و دینی هر مسلمانی است. در حدیثی آمده است: «راز برادر مسلمان خود را به دیگران بازگو کردن، خیانت است». این فریضه

اخلاقی در مورد پزشک، بنا به اقتضای شغلی، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا با ایجاد اعتماد، بیمار با خیال آسوده، بیماری خویش را بیان می‌کند و درمان را آسوده می‌سازد. حضرت علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «کسی که زوایای پنهان بیماری‌اش را کتمان کند، پزشکش از معالجه وی عاجز می‌ماند». در این خصوص، در سوگندنامه پزشکی بقراط حکیم آمده است: «آنچه در حین انجام دادن حرفه خود، و حتی خارج از آن، درباره زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید، که نباید فاش شود، به هیچ کس نخواهم گفت؛ زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد.»^{۳۳}

سپس در جایی دیگر آمده است:

«من سوگند یاد می‌کنم که به احکام مقدس اسلام و حد مورد الهی با دیده احترام بنگرم؛ از خیانت و تضييع حقوق بیماران به طور جدی پرهیز کنم، نسبت به حفظ اسرار آنان جز در مواقع ایجاب ضرورت شرعی پابندی کامل داشته باشم»^{۳۴}

در پندنامه اهوازی نیز در باب رازداری پزشکان چنین آمده است:

«طبيب، بايد راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای سر آنها در نزد خود و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید. زیرا بسیاری از بیماران، بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند؛ ولی آن را به طبیب می‌گویند. پس طبیب باید در کتمان بیماری از خود بیمار هم دقت بیشتری کند»^{۳۵}.

۱۳- امانت و درستکاری

رعایت امانت و درستکاری در تمام حرفه ها پسندیده است؛ اما در امور پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا پزشک با عزیزترین چیزها یعنی جان و سلامت جامعه و ناموس مردم در تماس می باشد. لذا با توجه به آنکه پزشک در معرض انحراف و لغزش قرار دارد، پیوسته باید در نگهداری صفت پسندیده «درستکاری» در وجود خویش کوشا باشد.

در این خصوص سزاوار است به روایاتی از امام صادق اشاره کنیم. حضرت صادق فرمودند: مردم در کارهای دنیا و آخرت به سه کس نیازمند هستند. یکی از آن آنها پزشک بصیر و مورد اعتماد (طیب بصیر و ثقه) است. لذا حضرت امام صادق (ع) یکی از ویژگیهای پزشک خوب را مورد اعتماد در نظر گرفته اند.

۱۴- نیک خلقی

چهره باز پزشک و خوش خلقی اش، نیمی از درمان است و زبان خوش او، دوی بیمار. پزشک بد اخلاق، تحمل شنیدن درد دل و سخنان بیمار را ندارد و به او فرصت سخن گفتن نمی دهد و این، باعث درمان ناموفق می شود، ولی نیک خلقی، هم باعث آرامش و راحتی پزشک است و هم بیمار او.

در مورد وظیفه ی پزشک بر بالین بیمار ابو علی سینا را عقیده مخصوصی است. او، معتقد بود که حالت و روحیه ی طیب در درمان بیماری ها بسیار مؤثر می باشد. بدین معنی که اگر طیب بشاش و خندان باشد تأثیر آن در بیمار بسیار زیاد است. می فرماید: (ینبغی للطیب ان یکون دائما مبشرا بالصحه فان العوارض النفسانيه تأثیرات عظیمه) (۲۰) امام علی علیه السلام در روایتی گهربار، از پزشک

به عنوان رفیق نام برده و می‌فرماید: «به مانند پزشکی رفیق باش که دوا را آن‌جا و آن گونه‌ای قرار می‌دهد که مفید باشد». پس بر پزشک است که با نیک خلقی، در دل بیمار جا باز کند و خود را رفیق و همدم او بداند، تاییدار هم او را یار و دوست خود بداند و از او کمک بطلبد.^{۳۶}

با این همه همان گونه که رازی گفته است، حتی برخی اوقات پزشکان مهربان نیز مورد انتقاد بیماران قرار می‌گیرند. در ادب فارسی گفته‌اند: عجب نبود اگر عاشق ز چشم یار افتد طیب مهربان از دیده بیمار می‌افتد^{۳۷}

۱۵- بردباری

یکی از صفات ضروری و والا برای پزشکان، بردباری است. در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم: «سه چیز است که در هر که باشد، سزاوار اجر و ثواب است و ایمان آدمی را کامل می‌گرداند: اخلاقی که با آن با مردم زندگی کند، تقوایی که از حرام الهی بازش دارد، و بردباری که او را از نادانی نادانان برکنار سازد.»

پزشک به اقتضای شغلش، همواره با اشخاص و افرادی روبه‌روست که در اثر بیماری و گرفتاری، صبر و طاقت از کف داده‌اند و ممکن است کمترین برخورد تند و نامناسب، آنان را بشوراند. از این رو، کمتر حرفه‌ای است که به اندازه پزشکی، نیازمند بردباری و خویشتنداری باشد. پس بر پزشکان است که هم کلام با نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله دعا کنند: «خدایا مرا با علم و دانش بی‌نیاز گردان، و با حلم و بردباری زینت ده.»

۱۶- بیم و امید در پزشکی

پزشکی که به پروردگار متعال ایمان دارد و از کیفراهی بیمناک است، احساس مسئولیت فراوان کرده و در درمان بیماران، حداکثر تلاش و دقت نظر خود را نشان می‌دهد. او می‌داند که روزی باید پاسخگوی اعمالش باشد و در دادگاه خداوندگاری، همه کارهایش در مقابل دیدگانش قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، امید، سرمایه پزشک و بیمار در درمان است. اگر پزشک امیدوار نباشد، به معالجه دلگرم نمی‌شود و بیمار ناامید هم، خود را باخته و پیش از مرگ، به سراغ آن می‌رود. امید در پزشک موجب تحرک و تلاش اوست و باعث نشاط و دلگرمی او می‌شود؛ از این روست که پزشک، حتی در بحرانی‌ترین لحظات هم نباید امید خود را از دست بدهد و خویشتن را تنها و عاجز از درمان احساس کند.^{۳۸}

۱۷- حضور پزشکان بر بالین بیماران

براساس آنچه در اخبار و روایات در ثواب عیادت بیان شده، مشخص می‌شود که منظور از عیادت دیدار مریض است؛ بگونه‌ای که کمکی به او بشود، به عبارتی دیدار مریض بدون یاری رساندن به او در تهیه دارو، علاج بیماریش، رفع حاجاتش، مصداق عیادت نیست. لذا دیدار پزشک پرستار و حضور آنها بر سر بالین بیمار مصداق صریح عیادت محسوب می‌شود، در روایتی از امام صادق(ع) در اصول کافی آمده است: «تعدادی قصد عیادت از بیماری داشتند حضرت به آنان فرمود میوه ای دارید. آنها اظهار داشتند نه. حضرت فرمودند آیا نمی‌دانید که مریض به هر چیزی که برایش ببرید احساس راحتی می‌کند و خشنود می‌شود.»

گر طبیبانه بیایی بر سر بالینم به دو عالم ندهم لذت بیماری را
تحقیقات نشان داده است حضور بر سر بالین بیمار، محبت کردن به او،
کوچک شمردن بیماری، تلقین به سالم بودن بیمار در بهبودی بیمار بسیار موثر
است.

گاهی اوقات بیماران مبتلا به امراض صعب العلاج بر اثر پختگی طبیب و
تقویت روحی، تامین نیازمندیهای درمانی نگرانیهای آنها ترمیم یافته و از شدت
بیماری کاسته می شود.

نمونه ای از عیادت حضرت رسول اکرم(ص) که به منظور دلجویی و تقویت
روحی به مسلمانی که در بستری بیماری افتاده بود را ذکر می نماییم. حضرت به
مسلمان فرمودند: «برای تو در بیماری سه فایده وجود دارد.

۱- بیاد خدای افتی.

۲- دعايت در این حال مستجاب می شود.

۳- بیماری تو كفاره گناهانت خواهد شد.^{۳۹}»

زنده شد او چون پیمبر را بدید گویی آن دم حق مرآدم آفرید
تا مرا صحت رسید و عافیت از قدوم این شه پرخاصیت^{۴۰}

نتیجه و بحث

با توجه به بررسی های به عمل آمده در متون گذشته و کهن ایران و اسلام، به
خوبی بر می آید که اهمیت و اهتمام جدی به رعایت اخلاق و هنجارهای رفتاری
در دانش و حرفه ی پزشکی جایگاه ویژه ای داشته و بطور کلی نگاه اندیشمندان
و نویسندگان و همچنین تعالیم دینی و اسلامی، نگرش غیر مادی و غیر انتفاعی به
این حرفه بوده است و دیدگاه آنها نسبت به طبابت به عنوان یک حرفه و وظیفه-

ای الهی می‌باشد. در گذشته نگرش عبادی به امور درمانی و بهداشت بر گرفته از فرهنگ اسلامی و ایرانی بوده است. براین اساس ویژگی‌ها و خصلت‌های ارزشمند اخلاقی برای طبیبان و پزشکان قایل بوده‌اند و بطور کلی نقش محوری اخلاق و ارتباط در فرایند درمان و بهبود بیمار بسیار مفید در نظر گرفته شده است. امروزه پیچیدگی ارتباطات انسانی و تبادل سریع فرهنگ‌های بشری و جوامع متفاوت انسانی تأثیری عمیق بر سرعت تغییر پذیری افراد جامعه گذاشته است. اگر چه این اثرات در بعضی مواقع مثبت و مفید و در بعضی مواقع آسیب‌های نابهنجاری را نیز به همراه داشته است، که می‌توان با حفظ ارزش‌ها و اصول فرهنگ کهن دینی و ایرانی در امر بهداشت، سلامت و طبابت مانع از خود بیگانگی و خود باختگی فرهنگی در اخلاق حرفه‌ای و پزشکی گردید.

بنابراین ترویج و توسعه مفاهیم و متون گذشته می‌تواند در ارتقاء سطح کمی و کیفی ارتباطات انسانی در حوزه و حیطه‌ی سلامت و بهداشت بسیار مفید می‌باشد و تأسیس رشته‌های اخلاق پزشکی، طب سنتی و داروسازی سنتی راهکارهای قابل ملاحظه‌ای در این موضوع بوده است.

پی نوشت‌ها

- ۱- محقق، دکتر مهدی: مجموعه ی متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴، ص ۳۱۰.
- ۲- عزیزی، دکتر محمد حسین: پیشینه اخلاق پزشکی در برخی از آثار کهن طبی و ادبی ایران، فصلنامه- ی اخلاق پزشکی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شهید پزشکی، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶، ص ۶۹.
- ۳- پیامبر اکرم (ص) طب امام صادق (ع) ص ۱۷ به نقل از کتاب تاریخ پزشکی ص ۱۲۷ اصول کافی ج ۱، ص ۳۷، در شرح حدیث مجارالانوار، ج ۱ ص ۲۲۰.
- ۴- نهج البلاغه/خطبه ۱۰۸.
- ۵- کلاهدوزان، اکبر: اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا، مجموعه مقالات بین الملل ابن سینا.
- ۶- کلیله و دمنه، ص ۴.
- ۷- منبع پیشین، ص ۴.
- ۸- سفینه البحار، ج ۷۸، ص ۲۳۵، به نقل از تاریخ اخلاق پزشکی، ص ۱۲۷.
- ۹- سوره مائده ۳۲/
- ۱۰- میزان الحکمه / ۳۲۸۶/۷
- ۱۱- سوره شعراء/ ۸۰
- ۱۲- سوری، سمیه: سفیدپوشان بردبار (روز بزرگداشت ابو علی سینا)، مرکز تحقیقات کامپیوتری طب اسلامی، حوزه گلبرگ، شماره ۵۴.
- ۱۳- استثنا همان عبارت انشاء الله است.
- ۱۴- قسوت، غفلت سخت، قساوت.
- ۱۵- مثنوی، ابیات ۴۹ و ۵۰
- ۱۶- مثنوی، ابیات ۴۶ و ۴۷
- ۱۷- کلاهدوزان، اکبر: اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا، مجموعه مقالات بین الملل ابن سینا.
- ۱۸- همان انشاء الله
- ۱۹- سرمستی و غرور.
- ۲۰- سرکنگبین دافع صفر است.
- ۲۱- مثنوی معنوی، ابیات ۴۸ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۴.
- ۲۲- نظامی عروضی؛ احمد بن عمر بن علی؛ به اهتمام دکتر محمد معین؛ تهران؛ امیرکبیر ۱۳۶۶.
- ۲۳- چهارمقاله، ص ۱۰۶
- ۲۴- منبع پیشین، ص ۱۰۶ و ۱۰۷
- ۲۵- کلاهدوزان، اکبر: اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا، مجموعه مقالات بین الملل ابن سینا.
- ۲۶- سوره اسراء، آیه ۸۴

- ۲۷- چهارمقاله، ص ۱۰۹
- ۲۸- نفیسی، دکتر ابوتراب: مختصر تاریخ علوم پزشکی تا ابتدای قرن معاصر، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵، صص ۱۷۶-۱۷۷.
- ۲۹- ضمیری، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، ص ۲۳۷، انتشارات راهگشا، شیراز، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۲۳۷.
- ۳۰- کلاهدوزان، اکبر: اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا، مجموعه مقالات بین الملل ابن سینا.
- ۳۱- چهارمقاله، ص ۱۰
- ۳۲- قابوس نامه، ص ۱۸۱
- ۳۳- سوری، سمیه: سفیدپوشان بردبار (روز بزرگداشت ابو علی سینا)، مرکز تحقیقات کامپیوتری طب اسلامی، حوزه گلبرگ، شماره ۵۴.
- ۳۴- سوگندنامه تنظیمی توسط معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت؛ درمان و آموزش پزشکی به نقل از اخلاق پزشکی به انضمام نقدی از تاریخ پزشکی، ص ۲۷۹
- ۳۵- پندنامه‌هاواری به نقل از اخلاق پزشکی، ص ۲۸۹
- ۳۶- سوری، سمیه: سفیدپوشان بردبار (روز بزرگداشت ابو علی سینا)، مرکز تحقیقات کامپیوتری طب اسلامی، حوزه گلبرگ، شماره ۵۴.
- ۳۷- مثنوی به اهتمام دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۰.
- ۳۸- سوری، سمیه: سفیدپوشان بردبار (روز بزرگداشت ابو علی سینا)، مرکز تحقیقات کامپیوتری طب اسلامی، حوزه گلبرگ، شماره ۵۴.
- ۳۹- کلاهدوزان، اکبر: اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا، مجموعه مقالات بین الملل ابن سینا.
- ۴۰- مثنوی، ابیات ۲۲۵۳ و ۲۲۵۴

فهرست منابع

- قرآن کریم
- محقق، دکتر مهدی: مجموعه ی متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴.
- عزیزی، دکتر محمد حسین: پیشینه اخلاق پزشکی در برخی از آثار کهن طبی و ادبی ایران، فصلنامه‌ی اخلاق پزشکی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شهید پزشکی، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶.
- نفیسی؛ ابوتراب؛ تاریخ اخلاق پزشکی؛ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۱.
- اصول کافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ با ترجمه و شرح جواد مصطفوی؛ تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)
- منشی؛ نصر الله؛ کلیله و دمنه؛ توضیح و تصحیح مجتبی مینو؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۶۲

ابراهیمی دکتر مهدی: دانشگاه علوم پزشکی مشهد

URL: <http://www.maarefmums.net/source/ZAPPart1.htm>

سوری، سمیه: سفیدپوشان بردبار (روز بزرگداشت ابو علی سینا)، مرکز تحقیقات کامپیوتری طب اسلامی، حوزه، گلبرگ، شماره ۵۴.

مثنوی، مولانا جلال الدین م مد بلخی؛ توضیحات و تعلیقات جامع و فهرست‌ها از محمد استعلام؛ تهران زوار؛ ۷۵-۱۳۷۴.

شرح مثنوی شریف؛ تألیف بدیع الزمان فروزانفر؛ تهران؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۷۳

زمانی، کریم. شرح جامع مثنوی معنوی؛ تهران؛ موسسه اطلاعا؛ ۱۳۷۲
کلاهدوزان، اکبر: اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا، مجموعه مقالات بین الملل ابن سینا.

نظامی عروضی؛ احمد بن عمر بن علی؛ به اهتمام دکتر محمد معی؛ تهران؛ امیرکبیر
۱۳۶۶

نفیسی، دکتر ابوتراب: مختصر تاریخ علوم پزشکی تا ابتدای قرن معاصر، صص ۱۷۶-۱۷۷، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵.

ضمیری، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، ص ۲۳۷، انتشارات راهگشا، شیراز، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

قابوس بن وشمگیر؛ عنصرالمعالی کیکاووس؛ قابوس نام؛ به اهتمام غلامحسین یوسفی؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران؛ ۱۳۶۴

سوگندنامه تنظیمی توسط معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت؛ درمان و آموزش پزشکی به نقل از اخلاق پزشکی به انضمام نقدی از تاریخ پزشکی، ص، ۲۷۹.

نفیسی؛ ابوتراب؛ تاریخ اخلاق پزشکی؛ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۱.

وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی؛ اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی؛ چاپخانه سپهر؛ ۱۳۷۰.

نجم آبادی، دکتر محمود: جشن نامه ابن سینا، ۱۳۸۴، انتشارات ابن سینا، ص ۴۶۰
مثنوی به اهتمام دکتر محمد استعلامی، ج ۲، ص ۱۴۰، انتشارات زوار، ۱۳۶۲.

یادداشت شناسه مؤلفان

مریم زراعتکار؛ دانشجوی سال چهارم دندانپزشکی و عضو کمیته تحقیقات گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

فرزاد محمودیان؛ عضو هیأت علمی و دبیر کمیته تحقیقات گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۴۸۹۸۰

farzad.mahmoodian@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۸۷/۸/۲۲

تاریخ داوری مقاله: ۸۷/۱۱/۷